

اگر بت مکه شکسته شود؟
(فلسطین چگونه آزاد می شود)
(عربستان جایگزین شاه در سیاست
های خاورمیانه ای آمریکا)

اگر بت مکه شکسته شود؟ (فلسطین چگونه آزاد می شود) (عربستان جایگزین شاه در سیاست های خاورمیانه ای آمریکا)

محور قرار دادن عربستان سعودی برای عرضه یک «طرح صلح عربی!!» و تامین صلح و ثبات مقطعی در منطقه در اجرای سیاست کلی آمریکا برای شکست انقلاب اسلامی ایران است. در حال حاضر عربستان سعودی بعنوان محور سیاستهای آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه بشمار می رود و اگر این رژیم شکسته و سرنگون شود آمریکا و اسرائیل در معرض نابودی و سقوط قرار خواهند گرفت

در شماره گذشته گفتیم که با توجه به حمایت گسترده و بی دریغ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکای جنایتکار از اسرائیل غاصب و با توجه به اختلافات موجود بین اعراب دورنمای هرگونه صلحی (که گفتیم متضمن نابودی اسرائیل است) در خاورمیانه تیره و تار است. و نه تنها اسرائیل از تجاوزهای خود دست نخواهد کشید بلکه تلاش خواهد کرد با فشار هرچه بیشتر نظامی در صورت امکان جنوب لبنان را ضمیمه خاک اشغالی خود گرداند و از طرف دیگر آمریکا و اسرائیل و ارتجاع منطقه با فشار به کشورهای مترقی منطقه از جمله سوریه آنان را وادار به صلح و سازش با اسرائیل نمایند.

در اینجا این سؤال پیش می آید که اگر واقعا آمریکا طرح صلح را محور برنامه های سیاسی خود قرار داده است پس چرا اسرائیل با اقداماتی از قبیل الحاق بلندیهای جولان به خاک خود مانع روند صلح در خاورمیانه می گردد؟ در حالیکه باید همگام با سیاست آمریکا محور تلاشهای خود را در جهت به سازش کشاندن کشورهای همچون سوریه قرار دهد.

برای پاسخ به این سؤال و یا به اصطلاح تضاد سیاست آمریکا و اسرائیل باید دید که سیاست آمریکا و اسرائیل در منطقه چیست؟ و بازوها و اهرم های اعمال این سیاست در منطقه کدامند؟

محور قرار دادن عربستان سعودی برای عرضه یک «طرح صلح عربی!!» و تامین صلح و ثبات مقطعی در منطقه در اجرای سیاست کلی آمریکا برای شکست انقلاب اسلامی ایران است. البته در شماره قل کم و پیش پاسخ گفتیم اما در این مقاله با شکافتن هرچه بیشتر موضوع بحث را ادامه خواهیم داد. و از آنجا که معتقدیم در حال حاضر عربستان سعودی بعنوان محور سیاستهای آمریکا در خلیج فارس و خاورمیانه بشمار می رود و اگر این رژیم شکسته و سرنگون نشود آمریکا و اسرائیل در معرض نابودی و سقوط قرار خواهند گرفت لذا سعی داریم با مقایسه ای از اهمیت کنونی عربستان برای آمریکا با ایران زمان شاه برادران و خواهران پیش از پیش آنچه را که در این مورد لازم است بدانند و اگر مقداری هم به مسئله ایران می پردازیم به همین لحاظ است و علاوه براین، این اشارت کوتاه می تواند در آستانه سالگرد انقلاب بار دیگر عظمت آنرا با توجه به نقشه های آمریکا بنمایاند.

*ایران در قبل از انقلاب تامین کننده منافع حیاتی سرمایه داری جهان از طریق گشودن لوله

های نفتی بسوی صنایع آمریکا و اروپا بود.

ایران قبل از انقلاب محور تمامی سیاستهای توسعه طلبانه آمریکا

قبل از سقوط شاه معدوم، ایران محور سیاستهای توسعه طلبانه آمریکا در خلیج فارس بشمار می رفت. در حقیقت ایران علاوه بر تامین منافع حیاتی سرمایه داری جهانی از طریق گشودن لوله های نفتی بسوی صنایع آمریکا و اروپا و ژاپن ژاندار می بود که عملا به سرکوب جنبشهای رهایی بخش منطقه می پرداخت و نهایتا پشتوانه استراتژیک مناسبی برای رژیم اشغالگر قدس بشمار می رفت. افشاگرهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام سندهای بسیار زنده ای برای دانستن اهداف آمریکا در ایران قبل از انقلاب است و شاید از این جهت است که آمریکا اقدام به توقیف این کتابها در مهد دموکراسی!! خود کرده است.

در جلد شماره 8 افشاگرهای اسناد لانه جاسوسی درباره اهمیت استراتژیک ایران برای آمریکا می خوانیم:

«1- اهمیت اولیه ایران به واسطه موقعیت کلیدیش در مجاورت اتحاد شوروی و نقش فزاینده رهبری آن در منطقه خلیج فارس و ناحیه ساحلی اقیانوس هند و موقعیتش به عنوان یکی از تولیدکنندگان اصلی نفت در دنیا و خریدار تولیدات ایالات متحده می باشد. باثبات و در جهت غرب، ایران به دادن حقوق، اختیارات و امکانات به ایالات متحده به صورت دوجانبه و از طریق همکاری در داخل شبکه سنتو ادامه میدهد. نفت ایران برای دنیای آزاد اهمیت فزاینده ای خواهد داشت.

2- هدفهای همکاری امنیتی ایالات متحده:

الف- کمک به ایران برای برقراری یک پایگاه بسیج توانا و مناسب.

ب- ترغیب به مشارکت فعال در مجامع امنیتی طرفدار غرب.

ج- همکاری در بدست آوردن حقوق، اختیارات و امکانات برای آمریکا و متفقین و رد کردن آنها به مخالفت نسبت به منافع آمریکا.

د- کمک به ایران برای مستقر کردن و نگهداری نیروهای پشتیبانی تدارکاتی و رزمی قادر به انجام وظایف دفاعی احتمالی.

ه- ترغیب به همکاری منطقه ای نزدیکتر و مقاومت در برابر نفوذ کمونیسم.

و- افزایش دسترسی آمریکا به منابع نفتی عظیم،» 1

چنانکه ملاحظه می شود ایران محوری ترین کشور خلیج فارس بود که می توانست تمام اهداف آمریکا را در منطقه جامه عمل بپوشاند و به همین دلیل نیز بود که آمریکا آواکسهای را که اکنون در اختیار عربستان سعودی قرار داده است قبل از پیروزی انقلاب اسلامی قرار بود در اختیار شاه ملعون قرار دهد. در همان سری اسناد، فرمانده مستشاری نظامی آمریکا در ایران به فرماندهی کل نیروهای مسلح آمریکا در اروپا پیشنهاد فروش رادار پرنده (آواکس) را به ایران می نماید:

نیروی هوایی ایران باید قادر باشد که با تهدیدی که به وسیله هواپیماهای پیشرفته مطرح می شود مقابله کند به منظور دفاع از تاسیسات نفتی که به شدت ضربه پذیر هستند، نیروی هوایی ایران باید با هواپیماهای تکامل یافته و تسلیحات دفاعی هوایی مجهز شود... بنابراین یک شبکه رادار با یک سیستم فرماندهی و کنترل عالی برای اخطار اولیه و کنترل تمام دفاع هوایی و هواپیماهای تاکتیکی طرح ریزی شده است. هواپیماهای F-16 و F-18 برای بالا بردن خنثی سازی، جلوگیری و حمایت هوایی و پوشش هوایی نیروی دریایی لازم است. هواپیماهای

آواکس (E-3 A) به منظور بالا بردن قدرت فرماندهی و کنترل و همکاری در نائل شدن و برقرار کردن برتری هوایی مورد احتیاج هستند. AMSTS برای توسعه دادن به قابلیت انعطاف و زمان پاسخ برای حمایت تدارکاتی مورد لزوم است. هواپیماهای P-3 برای مراقبت دریایی هوا برد، پاسداری عملیات ضد زیردریایی در خلیج فارس دریای عرب و اقیانوس هند مورد استفاده قرار می گیرد»².

در یک سند سرّی دیگر از همین مجموعه سقوط شاه باعث شد که آمریکا با سرعت هرچه بیشتر به تجهیز عربستان همت گماشته و تمام سیاستهایی که در ایران با وقوع انقلاب شکست خورده بود به عربستان سعودی منتقل سازد.

اهمیت ایران برای سیاست جهانی آمریکا چنین تشریح می گردد.

1- مانع برای اهداف شوروی.

2- دسترسی به موقعیت جغرافیایی ایران.

3- تهیه نفت برای آمریکا و متحدان او.

و قسمت سوم را چنین شرح می دهد:

«اگرچه ایران یکی از اولین افزایش دهندگان قیمت نفت بوده و وجود ما را در این موضوع فراموش کرده ولی بهر حال ایران مقدار زیادی نفت برای آمریکا و متحدانش صادر می کند و بیش از 8 درصد نفت ایران برای اروپای غربی و تقریباً 42 درصد برای ژاپن و 07 درصد نفت اسرائیل از ایران تامین می شود با وجود کشمکشهای لاینفک در روابط خرید و فروش، ایران برای ما یک منبع نفتی مستقل بوده است. ایران در سالهای 47-3791 برخلاف پیمان اعراب در تحریم حمل و نقل نفت به اسرائیل، شرکت نکرده و صدور نفت خود را به این کشور ادامه داده است. رهبران ایران غالباً اظهار داشته اند که ایران در جنبشهای سیاسی تحریمی شرکت نخواهد کرد»³.

چنانکه مشاهده می شود همانطور که جاسوسان امریکایی اظهار داشته اند رژیم شاه برای آمریکا همه چیز بود. تامین 70 درصد نفت اسرائیل، شرکت نکردن در تحریم نفتی و... و درباره اهمیت اقتصادی ایران برای آمریکا نیز (به تصویر صفحه مراجعه شود) ما دامیکه آغوش باز خوکهای جزیره العرب بروی جانیان کاخ سفید گشوده است فلسطین آزاد نخواهد شد.

همان سند می گوید:

«فروش آمریکا به ایران البته غیر از وسایل نظامی در سالهای 8-1975 بالغ بر 20 بلیون دلار می باشد لذا مبلغ پرداختی ما زاد برای آمریکا بین 8 الی 10 بلیون دلار می باشد (فروش مهمات و تجهیزات نظامی تقریباً این مبلغ ما زاد را دوبرابر خواهد کرد). شرکت و تجارتخانه های امریکایی به تعهدهای مختلف مشترک خود در ایران ادامه داده و مجموعه سرمایه گذاریها تقریباً 500 میلیون دلار خواهد بود. عرضه بانک EX-IM (قرضها و ضمانتها) در ایران در حدود یک بلیون دلار است. قرارداد کمیسیون مشترک ایران و آمریکا بطور موثری در روابط همکاری ما در زمینه های گوناگون مثل برنامه های هسته ای و دیگر فرمهای انرژی- کشاورزی، مسکن، قدرت، آموزش فردی، حمل و نقل و علوم مفید واقع شده است»⁴.

و این همه که ذکر کردیم تنها گوشه ای از برنامه های امریکای جنایتکار برای ایران بود و جالب است بدانیم که این اسناد از اسنادی بود که شاید به علت اهمیت درجه دو و سه آن بصورت "پودر" درنیامد و فقط تکه تکه گردید که بعدها با زحمات شبانه روزی دانشجویان به یکدیگر چسبانده و افشا گردید و بقول معروف «سالی که نکوست از بهارش پیداست»⁵

، اگر این اسناد حاوی این گونه اطلاعات است، بدیهی است که اسناد دیگری که بصورت پودر

درآمد حاوی چه اطلاعاتی بود. براساس یک سند دیگر ایران از آغاز سال 1972 زمان نوشتن گزارش (احتمالا سال 3551-1976-) بیش از 7 میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات از امریکا خریداری کرده است که تحویل آنها تا سال 9781 طور خواهد کشید5

براستی که با توجه به این اسناد است که می توان به عمق و عظمت انقلاب اسلامی ایران پی برد و دانست که چگونه این انقلاب پیکر سترگ امریکا در منطقه را تکه پاره کرد. وگرنه چگونه است در حالیکه کنگره امریکا و اسرائیل برای فروش چهار فروند آواکس برای عربستان سعودی این همه قایم باشک بازی می کنند امریکا قرارداد فروش هفت آواکس را برای ایران مورد مطالعه قرار داده بود» در حال حاضر سه درخواست بزرگ تحت مطالعه و بررسی وزارت دفاع امریکاست و منتظر تصمیم اجرا می باشد. این سه درخواست عبارتند از:

1- فروش 041 فروند 61-اف (خریداری تعداد 061 فروند از این نوع هواپیماها به تصویب رسیده است)

2- فروش هفت عدد آواکس E-3

3- فروش 052 فروند هواپیمای "6"

عربستان و اهمیت استراتژیک آن برای امریکا

نشان دادن اهمیت حیاتی ایران برای امریکا قبل از انقلاب اسلامی ایران برادران و خواهران خواننده بدانند که اکنون که عربستان جایگزین شاه در منطقه گشته است چه اهمیت حیاتی و استراتژیکی برای امریکا دارد و لذا از آن جهت است که ژنرال هیگ وزیر امور خارجه امریکا به صراحت بیان می دارد که: «ما هرگز نخواهیم گذاشت عربستان به سرنوشت ایران دچار شود و اتفاقا یکی از علل مخالفت بعضی از اعضای کنگره امریکا و همچنین اسرائیل از مسلح کردن عربستان توسط امریکا و از جمله فروش آواکسها از آن جهت است که بیم آن دارند که مبدا عربستان نیز روزی به سرنوشت ایران دچار شود و آنوقت است که "حکومت اسلامی عربستان" با آنها پشتمانه تسلیحاتی گامهای موثری را در جهت نابودی اسرائیل برخواهد داشت.

بنابراین سقوط شاه باعث شد که امریکا با سرعت هرچه بیشتر به تجهیز عربستان همت گماشته و تمام سیاستهایی که در ایران با وقوع انقلاب شکست خورده بود به عربستان سعودی منتقل سازد. البته بدیهی است که قبل از سقوط شاه نیز عربستان سعودی برای امریکا دارای اهمیت فراوانی بود ولی واقعیت امر این است که قدرت نظامی ایران در منطقه حتی باعث دلهره خود امریکا نیز گشته بود جاسوسان امریکایی در یک سند سری دیگر چنین می گویند:

«...اما قدرت تسلیحاتی ایران یک عدم توازن نظامی میان ایران و سایر کشورهای خلیج فارس و عمدتا عراق و عربستان ایجاد می کند. در مورد عربستان سعودی، این وضع یک مخاطره روزافزونی بوجود می آورد، از اینکه عکس العملی باعث به خطر انداختن روابط حسنه ما با آن کشور (عربستان) بشود. علاوه بر آنکه همکاری ایران و عربستان را که ما در صدد تشویق هم اکنون عربستان از جانب امریکا در رابطه با مسئله فلسطین دو جهت را همزمان می پیماید یکی تثبیت موجودیت اسرائیل و دیگری به سازش کشاندن اعراب و خصوصا فلسطینی ها.

آن هستیم تا یک پایگاه تامین ثبات و امنیت در خلیج بشود غیرممکن می سازد. "7. علاوه بر مسائل فوق عربستان سعودی دارای موقعیت ویژه ای در جامعه عرب است هم اکنون عربستان بعنوان «پدر بزرگ منطقه» بقول یکی از سیاستمداران کشورهای عرب «خرج اعراب را تامین می کند». دلارهای بادآورده نفتی عربستان عملا و علنا کشورهای عرب را به یوغ بندگی خوکههای

جزیره العرب کشانده است. و از همه اینها گذشته فروش روزانه 41 میلیون بشکه نفت (یا 5/12 میلیون بهرحال فرق چندانی ندارد) با نازلترین قیمت و حتی در نهایت وقاحت کم کردن قیمت نفت بعنوان عیدی کریسمس "برای صاحبان کارتلها و تراستهای سرمایه داری جهانی عربستان را بعنوان جانشین کاملا مطلوبی برای جهان سرمایه داری درآورده است و طبیعی است که هیگ بگوید ما بهر قیمتی که شده نخواهیم گذاشت عربستان به سرنوشت ایران دچار شود و در اجرای این سیاست است که در محرم 0401 جنبش مسلمانان در خانه خدا به خاک و خون کشیده می شود. و به همین دلیل است که می گوئیم برای آزادسازی فلسطین و قدس عزیز اول باید بت مکه شکسته شود که در غیر این صورت

براساس یک سند بدست آمده از لانه جاسوسی ایران از آغاز سال 1972 تا سال 9761 بیش از 7 میلیارد دلار اسلحه و تجهیزات از امریکا خریداری کرده است.

هرگز فلسطین آزاد نخواهد شد. و اگر درست است که انقلاب اسلامی ایران امریکا را در منطقه به شکست کشاند بطوریکه مناخیم بگین تروریست معروف گفت «با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دوران ظلمات و تاریکی برای اسرائیل فرارسیده است» 8قطعا و یقینا پیروزی انقلاب اسلامی آینده در عربستان و یا بهر ترتیبی فروپاشی این نظام فاسد باعث خواهد شد نه تنها استکبار جهانی بسرکردگی امریکا در خطر انهدام قرار گیرد بلکه اندکی نخواهد گذشت که در نقشه سیاسی جغرافیای خاورمیانه دیگر نامی از اسرائیل باقی نخواهد ماند.

اهداف کلی امریکا در خاورمیانه

هدف عمده خود در خلیج فارس و خاورمیانه با اتکا به عربستان سعودی است که این پنج هدف عبارتند از:

1- برقراری صلح و ثبات موضعی تا با تثبیت موجودیت اسرائیل (طرح صلح 8 ماده ای شاهزاده سعودی).

2- سیاست نظامیگری گسترده در خلیج فارس و توسعه سپاه واکنش سریع ستاره درخشان، آواکسها و پایگاههای عمان و غیره...

3- حفظ منافع حیاتی غرب و از جمله تامین نفت با حفظ نظام سعودی و کشورهای کوچک خلیج فارس

4- شکست انقلاب اسلامی ایران (که مراحل مختلفی داشته است)

5- جلوگیری از نفوذ کمونیسم در منطقه و خلیج فارس

اهمیت قضیه در اینجا است که امریکا تلاش می کند با حفظ موقعیت اساسی خود در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به اهداف خود رسیده و موقعیت خود را بدون حضور نظامی شوروی تثبیت کند.

برژینسکی مشاور سابق رئیس جمهوری امریکا در امور امنیت ملی و سیاستمدار برجسته امریکایی در مقاله ای در نشریه تایمز «چاپ لندن در شماره مورخ 12 ژوئیه 9811 می گوید»: «... نتیجه غیر قابل اجتناب یک عقب نشینی بزرگ غرب (امریکا) در حوزه خلیج فارس از بین رفتن تمامی نظام بین المللی ای که امریکا بعد از جنگ دوم جهانی برقرار نموده است خواهد بود. بدین ترتیب بحرانی که امریکا در خلیج فارس با آن روبروست از لحاظ استراتژیک و ژئوپولیتیک حالت بی سابقه ای دارد و به عقیده من دشوارترین مبارزه این کشور (امریکا) بعد از جنگ جهانی دوم می باشد چیزی که کار را دشوارتر می نماید این است که هیچگونه عکس العمل روشنی وجود ندارد زیرا تعداد عوامل گوناگون موثر در بحران بسیار زیاد است. اول از همه مساله

قدرت روزافزون شوروی مطرح است. تا همین سه سال قبل شوروی با یک نوار متشکل از ترکیه، ایران و پاکستان که تا حدودی هم مورد حمایت افغانستان بیطرف نیز بود از منطقه بدور نگاه داشته شده بود. اما امروز منطقه حائل بصورت تهاجمی شوروی درآمده و ایران که یک مانع استراتژیک در مقابل شوروی محسوب می شد از هم گسیخته است. توازن استراتژیک بطور محسوس و آشکاری به نفع شوروی برهم خورده و این عواقب درازمدتی در منطقه خواهد داشت. تمامی منطقه اکنون حالت آسیب پذیری پیدا کرده و رهبران دول منطقه احساس آسیب پذیری می کنند.»⁹

تلاش آمریکا برای شکست انقلاب ایران

آمریکا بعد از پیروزی انقلاب برای برقراری توازنی که مدنظر آقای برژینسکی است اول تلاش می کند که انقلاب ایران را سرنگون سازد. طرحهای کودتا و حمله عراق و همچنین کودتای خزنه بنی صدر از همین قماشند و علاوه براین آمریکا عربستان سعودی را برای جایگزینی ایران و حفاظت از منافع حیاتی در منطقه تا دندان مسلح می کند و با محور قرار دادن این کشور، دول ب: به سازش کشاندن اعراب و خصوصا فلسطینی ها.

شاید بعضی ها تعجب کردند که چرا حافظ اسد با آن موضع قاطع در جریان کنفرانس فاس که با عدم شرکت او به شکست انجامید اکنون با پای خود به دیدار حکام سعودی می رود. جواب روشن و واضح است و علت سفر او این است که عربستان قسمت اعظمی از خرج نیروهای سوری را می پردازد و کمکهای سعودی نقش بسزایی در اقتصاد و تسلیحات سوریه دارد. البته می دانیم که این کمکها نه برای شکست اسرائیل که در جهت حفظ آبروی هرگز نداشته حکام سعودی است که مثلا آنها نیز دشمن صهیونیسم هستند که اگر این مورد صحیح بود عربستان در مقابل اشغال دو جزیره خود در باب المندب (جزایر تیران و صفاپیر) که از سال 9671 در اشغال اسرائیل است سکوت مرگباری نمی کرد. بطوریکه تا بحال شنیده نشده برای یکبار هم که شده عربستان سعودی خواهان پس گرفتن دو جزیره اشغالی از اسرائیل باشد.

و اما در مورد تجهیز بیش از حد عربستان توسط آمریکا که به سه منظور

1- حضور نظامی مستقیم آمریکا در منطقه

2- پاسداری و حفاظت از حوزه های نفتی و رژیمهای مرتجع

3- شکست انقلاب اسلامی ایران

صورت می گیرد باید گفت که عربستان در این زمینه نیز از نظر آمریکا همچون ایران قبل از انقلاب قبل از هرچیز حافظ کیان صهیونیسم و منافع سرمایه داری جهانی است. ژنرال هیگ در جهت اعمال این سیاست در سخنرانی 71 سپتامبر کنگره آمریکا را برای فروش آواکسها به عربستان سعودی تحت فشار قرار داده و می گوید «این معامله برای صلح در خاورمیانه جنبه حیاتی دارد و نه تنها به اسرائیل لطمه نمی زند بلکه کمکی نیز برای آن کشور است!!» در تائید سخن هیگ همین بس که در جریان بمباران تاسیسات اتمی عراق توسط اسرائیلها که جبرا از خاک عربستان عبور کرده بودند آواکسها کور می شوند و این هم دلیلی دیگر است بر این گفته ژنرال هیگ که واقعا نه تنها آواکسها به اسرائیل لطمه نمی زنند بلکه کمکی نیز برای آن کشور هستند. و ریگان نیز در جواب این سؤال که چرا فروش آواکسها به عربستان سعودی با مصالح و منافع هر دو کشور آمریکا و اسرائیل انطباق دارد؟ (به تصویر صفحه مراجعه شود) می گوید: «اسرائیل به دو دلیل از این معامله سود خواهد برد نخست آنکه به گمان من نخستین تهدید در خاورمیانه هم برای اسرائیل و هم برای کشورهای عربی، اتحاد شوروی است. چندی

پیش ما توانایی هواپیماهای ایرانی!! را دیدیم که با پرواز در ارتفاع کم، تاسیسات نفتی کویت را بمباران کردند. رادارهای زمینی یک حمله مشابه به حوضه های نفتی عربستان را در عوض حفظ دو دقیقه اطلاع می دادند در حالیکه سعودیها با بهره گیری از آواکس و سیستم هشداردهنده آن فرصت کافی خواهند داشت تا هواپیماهای خود را برای رویارویی با مهاجم و جلوگیری از حمله بر فراز خلیج فارس به پرواز درآورند. این برای همه ما عملاً قابل ملاحظه است و اما عمده ترین دلیلی که می شود در رابطه با انطباق فروش آواکس ها با منافع اسرائیل ذکر کرد این است که ما می خواهیم روند پاسداری از صلح را در جریان نگه داریم و معتقدیم که در این خط، سعودی ها از همه موثرتر و متنفذتر هستند آنها این حقیقت را در برقراری آتش بس لبنان به ثبوت رساندند. ما قصد داریم این کوشش ها را تا بدانجا پی بگیریم که خود سعودیها و دول میانه رو عرب، درگیر فراگرد صلح شوند.

عربستان سعودی پیشنهاد کشورهای میانه رو است و به اعتقاد من در گسترش صلح به سرتاسر خاورمیانه، بجای محدودسازی آن در (چهارچوب پیمان های) اسرائیل و مصر، نقش کلیدی و حساسی را بر عهده دارد. برای بسیاری از کسانی که مخالف فروش آواکس ها با عربستان هستند و با وحشت و هراس به سعودی ها نگاه می کنند، درک این نکته مشکل است که مصر که با اسرائیلی ها به جنگ پرداخته بود، تغییر موضع داده و نخستین حرکت را در مصالحه و اتحاد با اسرائیل انجام داده است. آیا آنها نمی توانند باور کنند که کشورهای دیگر هم ممکن است دست به چنین کاری زنند؟ این چیزی است که ما بدنبال آن هستیم و خواهیم کوشید کشورهای دیگر را برای (تکرار) این کار ترغیب کنیم. این سیاست ما در خاورمیانه است و هدف ما این است که با در نظرگیری امنیت اسرائیل صلح را به منطقه آشوب زده خاورمیانه بازگردانیم. من نمی توانم به جزئیات بخصوصی پردازم، چرا که اگر قرار است که در منطقه «سیاست بی جنجالی» داشته باشیم، بهتر است خاموش دیمانیم. 21

دیگر بنظر نمی رسد توضیحات بیشتری لازم باشد و فقط اشاره به یک نکته دیگر ضروری بنظر می رسد و آن این است که علت اینکه تاکنون عربستان خود نخواست و یا نتوانسته است مستقیماً وارد جنگ علیه ایران شود (چون گفتیم یکی از محورهای سیاست امریکا در منطقه نابودی انقلاب اسلامی ایران است) به این علت بوده که امریکا از آسیب پذیری چاههای نفت عربستان بیمناک بوده (و هست) و عراق نخواهد بود که بگوئیم چاههای نفت شیشه عمر امریکا و اسرائیل و انهدام آنها کلید حل تمام مشکلات خاورمیانه خواهد بود.

انهدام چاههای نفتی عربستان آسانترین راه سرنگونی حکام مرتجع طبیعی است که امریکا نخواهد گذاشت عربستان از درون متلاشی شود (همچون ایران زمان شاه) و حکومتی از نوع جمهوری اسلامی در آن برپا شود و متأسفانه بدبختی مسلمین منطقه در این است که حتی بعضی از کشورهای مترقی عرب نیز نمی خواهند در عراق و عربستان حکومتهایی از نوع ایران برپا شود و دلیلش هم چندان؟؟؟؟ نیست (خوانندگان خود می توانند در این مورد فکر کنند چرا؟) و همانطور که گفته شده بنظر می رسد آسانترین راه سرنگونی حکام سعودی انهدام چاههای نفت است و این امر نیز ممکن است منتهی احتیاج به تفکر و تامل و تهیه طرحها و نقشه هایی دارد که بتواند حد اکثر منافع مسلمانان و شکست و خفت امریکا و اسرائیل را فراهم کند. البته این بدان معنا نیست که ما به مردم جزیره العرب کم بها می دهیم ولی مع الاسف آنطور که شواهد امر نشان می دهد اگر بخواهیم منتظر حرکت آنها شویم اسرائیل مکه و مدینه را نیز فتح کرده است.

س-درباره کودتا بفرمائید؟

شهید بهشتی: کودتا مسئله ای است که همیشه خطرش هست و ما هم یک تجربه دارتر و ورزیده تر برای پیدا کردن آنها شدیم و بچه ها هم یک مشت بچه های زبل هستند که خیلی تلاش می کنند، خیلی کوشش می کنند، همین پریروز هم یکی دو نفر را گرفتند که احتمال می دهند جریان موسوی اردبیلی را هم عاملش را شناسائی کنند، بهرحال خطرش همیشه است، خطر کودتا در کشورهای ما همیشه هست منتها چیزی که من معتقدم و خیلی تکیه دارم این است که کاری نکنیم ملت کودتاپذیر نباشد، کودتا نمیشود و امام فرمودند که با هواپیما می خواهند بیایند، توی آسمانکه نمی خواهند بمانند بالاخره می خواهند روزی زمین بیایند، کی می توانند روی زمین باشند.

بنابراین ما باید اصرار داشته باشیم روی توده مردم، که باید کار انقلابی کنیم که مردم راضی باشند گرچه کار دشواری است ولی باید بکنیم.

و آنچه که گفتم ما یک مطلب برنامه ریزی اقتصادی خوبی می خواهیم ارائه دهیم با همکاری کسانی که در عین آشنائی با اصول اقتصاد اسلامی و در عین حال با کسانی که در عمل دارند کار می کنند، در نظر داریم که طرحهایی درست کنیم، و من به آینده خیلی امیدوار هستم.

س: یک مسئله ای که ما مبتلا هستیم و امیدواریم که صحبت شما به ما کمک کند این است که این خطی که معروف به انجمن حجتیه است ما با آنها عملاً درگیر شدیم و این درگیری کار را مشکل کرده است می خواستیم ببینیم رهنمود شما برای حل این مشکل چیست؟

-مسئله انجمن حجتیه یک مسئله در سطح کشور است و آن این است که اگر این برادران و خواهران متدین هستند و این خط را قبول دارند و عمل می کنند دیگر نمی خواهد هی بدلیل شانه از زیر بار مبارزه خالی کردن گذشته شان، کنارشان بگذارید، این جور در نمی آید اگر الان متدین هستند، ملتزم هستند و جدیت می کنند بگذارید باشند...

توی اینها خیلی جوانهای باصفا و باایمانی مثل شماها هست و خیلی هم پرکار و تشکیلاتی هستند حال چرا اینها را کنار می زنید؟ بدلیل اینکه مارک انجمنی می خورید، حال توده ای که نه، مارکسیست که نه، مجاهد هم که نه، جنبش مسلمانان مبارز هم که نه، چپ هم که نه، انجمنی هم که نه، علی میماند و حوضش، که من می ترسم یک روز حوض بماند و علی هم نماند.

-به هر حال عناصر فعال را سعی کنید جذب کنید و آنها را بکار بیاورید حیف است اما به شرط ایمان و عمل صالح و اینکه خط انقلاب را قبول داشته باشند و دیگر آن حال وهوای سابق در کله شان نباشد اما ما برخورد سریع و جدی داریم و من یک سخنرانی در جمع مربیان آموزش و پرورش برای مسئولان امور تربیتی کردم که تند هم رفتیم و بعضی گله کردند.

به همه ما خدا توفیق دهد و صادق باشیم و صالح باشیم که این بهترین نوع زندگی است و زندگی با او نورانی و بدون او زندگی ظلمانی است و ظلمت و سراب است.

بگذارید با همان فروغ الهی و عشق به خدا در خط ایمان و عمل صالح جلو برویم و تا هر لحظه زنده ایم که زنده ایم و زنده ماندن ما معنی دارد و اگر در این راه بمیریم مرگ ما معنی دارد و این بهترین سعادت است خداوند این سعادت را به همه ما ارزانی دارد آمین.

و السلام

بهرحال با اشغال بلندیهای جولان و حمله قریب الوقوع اسرائیل به جنوب لبنان و عدم توانایی اعراب در وضعیت فعلی برای مقابله با اسرائیل وضع بغرنج و پیچیده ای در خاورمیانه بوجود آمده

است سرسپرده گی رژیمهای مرتجع عرب و عدم تمایل آنها به جنگ اسرائیل را بیش از پیش گستاخ تر کرده است و چون می داند که در وضعیت فعلی اعراب مجبورند تن به صلح و سازش بدهند و لذا از فرصت استفاده کرده و هرچه بیشتر به اهداف پلید و تجاوزکارانه خود جامه عمل می پوشاند. از طرف دیگر توطئه های روزافزون ارتجاع منطقه علیه ایران باعث گشته است که وجدان عمومی امت عرب نیز از اسرائیل غاغل بماند و این نیز خود حرکتی است برای سرپوش نهادن به تجاوزکاریهای اسرائیل و پیمانهای متعدد امریکا در منطقه.

و در این میان جمهوری اسلامی ایران است که می تواند گره گشای این معضل باشد اعلام حمایت علنی از سوریه اقدام بس چشمگیری است در جهت فراگیر کردن مبارزه ضد صهیونیستی یقینا اگر ایران بتواند نیروهایی را به سوریه اعزام کند به تمامی توطئه های ارتجاع منطقه خط بطلان خواهد کشید و در اینصورت کشورهای مرتجع منطقه نیز مجبورند واکنش جدی نشان دهند چه در غیر اینصورت یکقدم به سرنگونی نزدیکتر خواهند گشت و این خود می تواند از توسعه طلبی های هرچه بیشتر اسرائیل بکاهد. ولی همانطور که گفته شد همه راهها به رم ختم می شود و راه آزادی قدس و فلسطین از سرنگونی حکومتهای مرتجع منطقه و در راس آنها حکومت سعودی می گذرد. حافظ اسد هم که به عربستان می رود می داند که این امامزاده مراد نمی دهد و فقط برای ادامه کمکهای مالی است که عربستان اسد را اخطار می کند و شاید هم اسد خیال کرده است پس مانده عصیت عربی خواهد توانست کشورهای عرب را علیه اسرائیل بسیج کند ولی جنگهای 7691 و 3791 نشان داد که این نیز از محالات است بخصوص اینکه اکنون دیگر عربستان رهبر بلا منازع جهان عرب است. و ما دامیکه این رژیم وجود دارد هم منافع امریکا تامین است و هم موجودیت اسرائیل و اگر قبول داریم که نفت شیشه عمر استکبار جهانی است باید برای استفاده از این سلاح راه حلی جست و سپس بدنبال مقابله نظامی با آخرین بقایای دشمن امپریالیستی و صهیونیستی رفت تا نظر خوانندگان عزیز چه باشد ما که می گوئیم باید چاههای نفت منهدم شود.

و السلام

پی نوشت ها

- (1)-اسناد لانه جاسوسی جلد 8(تحلیل های امریکا از ایران)صفحه 3-251
- (2)-همان کتاب صفحه 541
- (3)-همان کتاب صفحه 158
- (4)-همان کتاب صفحه 160
- (6)-همان کتاب صفحه 651
- (7)-همان کتاب صفحه 113
- (8)-این سخن را یاسر عرفات در جریان افتتاح سفارت فلسطین در تهران گفت
- (9)-اطلاعات-پنجشنبه 10/10/60 صفحه 21
- (10)-اطلاعات-پنجشنبه 10/10/60 صفحه 21
- (11)-اطلاعات-پنجشنبه 10/10/60 صفحه 21
- (12)-اطلاعات-پنجشنبه 10/10/60 صفحه 21